

# نقد انتساب رباعیات ناصر بخارایی

۱۱۷-۱۳۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

**چکیده:** ناصر بخارایی، از غزلسرایان سرشناس قرن هشتم هجری و از هم‌عصران حافظ و سلمان ساوجی است. او فردی درویش بود و سفرهای بسیار کرد. از نکات جالب زندگی ناصر، دیدارش با سلمان ساوجی در بغداد است که راه شاعر را به دربار سلطان اویس (حک. ۷۵۷-۷۷۶ ق) باز کرد. دیوان ناصر بخارایی مشتمل بر ۸۵۰ بیت شعر است که بخش عمده آن را غزل‌ها و قصاید او تشکیل می‌دهد. مرحوم دکتر مهدی درخشان دیوان اشعار ناصر بخارایی را تصحیح و در سال ۱۳۵۳ شمسی منتشر کرد. این کتاب، دربردارنده ۲۴ رباعی کامل و یک رباعی ناقص است که اغلب آن‌ها در منابع معتبر به نام شاعران دیگر یافت می‌شود و به دلیل تقدم زمانی منابع، نمی‌توان آن‌ها را سروده ناصر دانست. موضوع مقاله حاضر، نقد و بررسی رباعیات منسوب به ناصر بخارایی است.

**کلیدواژه:** ناصر بخارایی، رباعی فارسی، شرف‌الدین شفرود، نزهه الارواح، رباعیات سرگردان، شعر قرن هشتم

**Criticism of the Attribution of Nasser  
Bukhārā's Quatrains**  
Seyed Ali Mirafazli

**Abstract:** Nasser Bukhārāi is one of the famous lyricists of the 8th century of Hijri and one of the contemporaries of Hafez and Salman Sawujī. He was a dervish and traveled a lot. One of the interesting points of Nasir's life is his meeting with Salman Sawujī in Baghdad, who opened the poet's way to the court of Sultan Uwais (757-776 AD). Nasser Bukhārāi's divan consists of 8,500 verses, most of which are his sonnets and odes. The late Dr. Mahdi Derakhshan edited the poems of Nasser Bukhārāi and published them in 1353. This book contains 24 complete quatrains and one incomplete quatrain, most of which are found in reliable sources in the name of other poets, and due to the age of the sources, they cannot be considered Nasser's poems. The subject of this article is the criticism of the quatrains attributed to Nasser Bukhārāi.

**Keywords:** Nasser Bukhārāi, Farsi Quatrain, Sharafuddin Shafroḥ, Nuzha al-Arwāḥ, Wandering Quatrains, Poetry of the 8th Century.

ناصر بخارایی، یکی از چند شاعر زبردست قرن هشتم هجری است و دوره زندگی او با حیات حافظ شیرازی و سلمان ساوجی مقارن است. در مورد زندگی او اطلاعات اندکی وجود دارد. بنا به بررسی و برآورد دکتر مهدی درخشان، مصحح دیوان اشعار ناصر بخارایی، وی در حدود ۷۱۵ تا ۷۲۰ ق به دنیا آمده و بین ۷۸۴ تا ۷۹۰ ق از دنیا رفته است. دولت‌شاه سمرقندی داستانی از دیدار درویش ناصر بخاری با خواجه سلمان ساوجی در دارالسلام بغداد نقل کرده و این ماجرا، در تذکره‌های بعدی تکرار شده است (رک. تذکره الشعراء، ۲۷۰-۲۷۱؛ عرفات العاشقین، ۶: ۳۸۵۹؛ خلاصه الأشعار، شماره ۱۰۴ ب، برگ ۱۵۹ پ). بنابراین داستان، سلمان ساوجی بعد از اطلاع از زبردستی ناصر در سرودن شعر، راه ورود او را به دربار سلطان اویس (حک. ۷۵۷-۷۷۶ ق) هموار کرد. در دیوان ناصر قصایدی در ستایش سلطان اویس و فرزندش سلطان حسین (حک. ۷۷۶-۷۸۴ ق) که بعد از پدر به حکومت رسید، دیده می‌شود (رک. دیوان اشعار، مقدمه، سی و سه. سی و پنج). درویش ناصر بخارایی اهل سفر بود و در اشعارش ردپای حضور او در مناطق خراسان، آذربایجان، شروان، عراق و شام دیده می‌شود (همانجا، بیست و چهار. بیست و پنج).

ناصر، در زمان حیات، دفتری از اشعار خود را گرد آورد و بر آن دیباچه مختصری نگاشت. وی در این دیباچه، خود را «ناصر الظهیری البخاری» معرفی کرده است (دیوان ناصر، برلین، برگ ۳ ر؛ ایاصوفیا، برگ ۵۷۲ پ). به دلیل حذف نسبت «ظهیری» در دستنویس اساس چاپ مرحوم درخشان (نسخه فاتح)، این نسبت مهم در دیباچه چاپی قید نشده و منابع دیگر نیز تا آنجا که دیده‌ام، از این اطلاع خالی است.

دیوان اشعار ناصر بخارایی، یک نوبت به همت دکتر مهدی درخشان، استاد درگذشته دانشگاه تهران تصحیح و به چاپ رسیده است (تهران، ۱۳۵۳). اتکای مصحح دانشور در این تصحیح، بر هفت نسخه بوده است: دستنویس کتابخانه فاتح (موتخ ۸۶۴ ق) که نسخه اساس چاپ است، دستنویس ملک (۸۵۹ ق)، دستنویس دانشگاه تهران (۱۳۰۴ ق)، دستنویس کتابخانه مجلس سنا (۸۲۱ ق)، دستنویس دوم کتابخانه ملک (سده یازدهم ق)، دستنویس کتابخانه سپهسالار (سده دوازدهم ق)، و دستنویس کتابخانه مجلس (۸۶۳ ق) که فقط شامل مثنوی هدایت نامه است. دیوان چاپی، در بردارنده ۸۵۰۰ بیت شعر از قصیده و غزل و ترجیع و مثنوی و رباعی و قطعه است. نیمی از حجم اشعار ناصر را غزل‌های او تشکیل می‌دهد (۶۳۹ غزل، ۴۵۸۶ بیت). در این دیوان، ۲۴ رباعی کامل و یک رباعی ناقص (به صورت تک بیت) نقل شده است که اغلب آن‌ها در منابع دیگر نیز رؤیت شده است. به نظر بنده، این رباعیات سروده ناصر بخارایی نیست و به دیوان او الحاق شده است. در این مقاله، صحت انتساب رباعیات دیوان ناصر را ارزیابی خواهیم کرد. یکی از رباعیات موجود در دستنویس‌های مورد استفاده مرحوم درخشان از نگاه ایشان پوشیده مانده است که آن رباعی هم مدعی دارد.

## معرفی و سنجش نسخه‌ها

رباعیات موجود در دیوان اشعار ناصر بخارایی، اغلب منحصر به دو دستنویس فاتح و ملک است (۱۷ رباعی) و مابقی، از دستنویس سنا (دو رباعی و یک تک بیت) و ملک (۲ پنج رباعی) نقل شده است.<sup>۱</sup> از هفت دستنویس مورد استفاده، نسخه مجلس فقط هدایت نامه را در بردارد و دو دستنویس دانشگاه تهران و سپهسالار فاقد رباعی هستند. اغلب رباعیات، تک منبعی به شمار می‌روند و هیچ رباعی نیست که در همه نسخه‌ها (در واقع در چهار نسخه دارای رباعی) موجود باشد. رباعیات مشترک، شش رباعی است که بین فاتح و ملک مشترک است و ۱۸ رباعی دیگر، تک نسخه‌ای هستند.

علاوه بر نسخه‌های مورد استفاده مصحح، ما چند نسخه کهن دیگر را نیز بررسی کرده‌ایم. مشخصات این نسخه‌ها و میزان رباعیات شان را در جدول زیر آورده‌ایم:<sup>۲</sup>

نشانه	مشخصات نسخه	تاریخ	تعداد رباعی
برلین	کتابخانه برلین، Ms. Or. Oct. ۲۹۳۶	اوایل سده نهم ق	--
ایاصوفیا	کتابخانه ایاصوفیا، شماره ۳۹۴۵	۸۱۳ ق	--
حکیم	کتابخانه حکیم اوغلو، شماره ۶۳۸	نیمه دوم قرن نهم ق	--
سنا	کتابخانه مجلس سنا، شماره ۳۳۹	۸۲۱ ق	۲+ تک بیت
فاتح	کتابخانه فاتح، شماره ۳۸۷۹	۸۶۴ ق	۱۷
ملک	کتابخانه ملک، شماره ۵۳۸۳	۸۵۹ ق	۶
فاتح ۲	کتابخانه فاتح، شماره ۳۸۴۸	۸۷۰ ق	۱۰
مجلس	کتابخانه مجلس، شماره ۹۰۸۴	سده نهم ق	۶
مجلس ۲	کتابخانه مجلس <sup>۳</sup> ، شماره ۲۶۵۷	۸۶۳ ق	--
ملک ۲	کتابخانه ملک <sup>۴</sup> ، شماره ۵۳۰۷	سده یازدهم ق	۶
سپه	کتابخانه سپهسالار، شماره ۱۱۵۳	سده ۱۲ ق	--
دانشگاه	کتابخانه دانشگاه تهران، شماره ۲۴۱۸	۱۳۰۴ ق	--

(۱) بدتر توضیح داده‌ایم که دستنویس ملک ۲ شش رباعی دارد و یک رباعی از نگاه مصحح افتاده است. (۲) در این بررسی، سفینه‌هایی که حاوی منتخب اشعار ناصر است، جای نگرفت. اغلب این مجموعه‌ها، گزیده غزلیات شاعر را در بردارد و در آن‌ها رباعی مشاهده نشد.

(۳) مصحح، این نسخه را با نشانه «ملی» مشخص کرده است. برای آنکه با کتابخانه ملی التباس و اشتباه نشود، عنوان «مجلس ۲» را برای آن در نظر گرفتیم. در این نسخه، فقط مثنوی هدایت نامه آمده است و بس.

(۴) مرحوم دکتر درخشان، شماره این نسخه را ۳۵۰۷ ذکر کرده و همین خطای تاپیی، مرا برای یافتن نسخه به زحمت بسیار انداخت و سرانجام نیز جز با مراجعه حضوری به کتابخانه، حقیقت امر روشن نشد. در فهرست منابع از نسخه ملک ۲ با عنوان سی دیوان یاد کرده‌ایم. این دستنویس، شش رباعی دارد که یک فقره آن در دیوان چاپی نیامده و مأخذ یک فقره آن نیز در نشانه‌گذاری تصحیح، به جای «ملک ۲»، به اشتباه «فاتح» قید شده است.

همان گونه که ملاحظه می شود، سه دستنویس کهن دیوان ناصر بخارایی، به کلی فاقد رباعی است. دستنویس های دیگر هم رباعیات کمی دارند. فقط دستنویس فاتح است که ۱۷ رباعی دارد و این اختلاف، محتاج بررسی است. ما تذکره های مهم فارسی را که دارای شرح حال و منتخب اشعار ناصر بخارایی هستند، بررسی کردیم. مؤلفین تذکره های هفت اقلیم، عرفات العاشقین و خلاصة الأشعار که معمولاً به رباعیات شاعران توجهی ویژه دارند، رباعی از ناصر بخارایی ذکر نکرده اند. تذکره های دیگری همچون: ریاض الشعراء داغستانی، سفینه خوشگو، صحف ابراهیم و امثالهم که اطلاعات و اشعار مربوط به شاعران قدیم را از این سه تذکره وام ستانده اند نیز رباعی از ناصر بخارایی نیاورده اند.

یک اصل کلی که در مورد اشعار اضافه دستنویس های دواوین شعرا، به ویژه در قالب رباعی، وجود دارد این است که یا ما با اشعار نویافته مواجهیم، یا اشعار الحاقی. نویافته و الحاقی بودن رباعیات یک دستنویس، در گرو بررسی صحت و اصالت انتساب هاست. دیده شده است که برخی دستنویس های قدیمی، در انتساب های خود فاقد صحت و اصالتند و دستنویس های متأخر، این دو ویژگی را دارند. وقتی می بینیم که اغلب رباعیات اضافه یک دستنویس، در منابع معتبر به دیگران منسوب است، باید به صحت و اصالت آن انتساب ها تردید کرد.<sup>۵</sup> گاهی گردآورندگان دواوین شعرا، برای کامل نشان دادن یک دیوان یا نمایش تسلط گوینده اشعار بر همه قوالب، شعرهایی را به صلاح دید خود وارد دیوان آن ها می کنند.

از ۲۴ رباعی کامل و یک رباعی ناقص موجود در دیوان اشعار ناصر بخارایی، فقط چهار رباعی آن مدعی و معارض ندارد. یا لا اقل من پیدا نکردم. مابقی رباعیات، میان ناصر بخارایی و دیگران مشترک است و همان طور که گفتم، به نظر من، اغلب آن ها از ناصر بخارایی نیست. از چهار دستنویس کهن دیوان ناصر که دارای دیباچه شاعر هستند و احتمالاً بر نسخه فراهم کرده مولف اتکا دارند (برلین، ایاصوفیا، حکیم و فاتح)، فقط در نسخه فاتح رباعی به چشم می خورد. همه این موارد، ما را وادار می دارد که در چند و چون رباعیات موجود در نسخه های دیوان ناصر بخارایی، سنجشی دقیق انجام دهیم.

### نزهة الأرواح و ناصر بخارایی

شش فقره از رباعیات منسوب به ناصر بخارایی در رساله نزهة الأرواح امیر حسینی هروی (د. ۷۱۸ ق) موجود است و به حکم تقدم زمانی، این رباعیات را نمی توان سروده ناصر بخارایی دانست. امیر حسینی، شاعر و نویسنده ای صوفی مسلک بود و بیشتر زندگانی خود را در قرن هفتم هجری در منطقه خراسان سپری کرد. نزهة الأرواح کتابی است عرفانی به نثر مسجع با شواهد شعری فراوان که مؤلف در

(۵) البته باید توجه داشت که بحث صحت و اصالت انتساب ها، جدا از صحت و اصالت یک دستنویس است. با پیدا شدن چند رباعیات منسوب و مشکوک در یک نسخه، نمی توان حکم به عدم صحت کل آن نسخه داد. چرا که رباعی بیش از قوالب دیگر، زمینه تداخل و اشتراک و سرگردانی دارد.

سال ۷۱۱ ق از تألیف آن فراغت یافته است. در این تاریخ، ناصر بخارایی یا به دنیا نیامده بوده یا کودک بوده است. این شش رباعی، در همه نسخه‌های معتبر نزهة الأرواح موجود است و نمی‌توان آن‌ها را الحاقی سنوات بعد دانست. نکته مهم در مورد این رباعیات آن است که همگی از نسخه ملک ۲ وارد دیوان اشعار ناصر بخارایی شده است و سایر دستنویس‌ها، آن‌ها را ندارند.

[۱]

درد دلم از شمار دفتر بگذشت      این قصه به هر محفل و محضر بگذشت  
این واقعه در جهان شنیده ست کسی      من تشنه آب و آیم از سر بگذشت

(دیوان ناصر، ۴۰۱-۴۰۲؛ نزهة الأرواح، ۴۸)

[۲]

حال من خاکسار می بینم و می پرس      می سوزم از انتظار، می بینم و می پرس  
سودازده ای چو من نیامد به جهان      اینک من و روزگار، می بینم و می پرس!

(دیوان ناصر، ۴۰۳؛ نزهة الأرواح، ۱۰۶)

[۳]

اسرار ازل رانه تو دانی و نه من      وین حرف معما نه تو خوانی و نه من  
هست از پس پرده گفت و گوی من و تو      چون پرده برافتد نه تو مانمی و نه من!

(دیوان ناصر، ۴۰۳؛ نزهة الأرواح، ۴۰)

این رباعی، یکی از رباعیات معروف منسوب به ختیم است و در سفینه کهن رباعیات که در اواخر قرن هفتم هجری فراهم شده، به نام اوست. رباعی، در خاتمه دستنویس لمعة السراج کتابخانه لیدن (مورخ ۶۹۵ ق) نیز بی نام گوینده دیده می‌شود (رک. رباعیات ختیم و ختیمانه‌های پارسی، ۲۹۵-۲۹۸). در هر صورت، انتساب رباعی به ناصر بخارایی، آن‌هم به واسطه یک دستنویس مربوط به قرن یازدهم هجری، به هیچ وجه درست نیست.<sup>۷</sup>

۶) نزهة الأرواح: می‌سوزم. درست، همین است.

۷) در دیوان اشعار ناصر بخارایی، مأخذ این رباعی دستنویس فاتح ذکر شده است که خطاست.

[۴]

ای غم همه سوی من عنان تافته‌ای      مانا که مرا زیون ترک یافته‌ای  
آن روز مرا دو چشم تر سرخ نمود      بر خود که گلیم من سیه بافته‌ای  
(دیوان ناصر، ۴۰۴؛ نزهة الأرواح، ۱۲)

[۵]

ای سایه! تو مرد صحبت نور نه‌ای      رو ماتم خود دار کزین سور نه‌ای  
اندیشه وصل آفتاب ت نرسد      می ساز بدین قدر کزو دور نه‌ای  
(دیوان ناصر، ۴۰۴؛ نزهة الأرواح، ۴۹)

اوحدی بلیانی، رباعی اول و پنجم را جزو اشعار خود امیر حسینی آورده است (عرفات العاشقین، ۲: ۱۰۵۶) و احتمال دارد مأخذ او در این انتساب، نزهة الأرواح باشد. مرحوم درخشان، یکی از شش رباعی موجود در دستنویس ملک ۲ را از قلم انداخته است. بدون تردید، مأخذ این رباعی نیز در دستنویس ملک ۲، نزهة الأرواح است:

[۶]

ای خورده شراب غفلت از جام هوس      مشغول مشو به خویش چون خر به جرس  
ترسم که از این خواب چو بیدار شوی      مستی<sup>۱</sup> برود، درد سرت ماند و بس  
(سی دیوان، ۳۸۷ پ؛ نزهة الأرواح، ۳۱)

علاوه بر این شش رباعی، شش قطعه از قطعات پایانی کتاب نیز در نزهة الأرواح یافت می‌شود که همه آن‌ها منحصرأز دستنویس ملک ۲ اخذ شده است (رک. سی دیوان، برگ ۳۸۷ ر-۳۸۷ پ). ما فقط به ذکر مصراع نخست هر شعر و نشانی آن‌ها بسنده می‌کنیم. به همان دلایلی که گفتیم، این قطعات نیز نمی‌تواند سروده ناصر بخارایی باشد:

- پُر دلی باید که بار غم کشد (دیوان ناصر، ۴۰۴؛ نزهة الأرواح، ۵۲)
- حرف عشق از سر زبان دور است (دیوان ناصر، ۴۰۴؛ نزهة الأرواح، ۵۶)
- بولهب را محرم طاها که کرد؟ (دیوان ناصر، ۴۰۴؛ نزهة الأرواح، ۷۷)
- هرکه بی بهره شد ز دانش و هوش (دیوان ناصر، ۴۰۴-۴۰۵؛ نزهة الأرواح، ۷۷)

- دریغ این درد را مرهم ندیدم (دیوان ناصر، ۴۰۵؛ نزهة الارواح، ۱۷)

- برو جان پدر جانی طلب کن (دیوان ناصر، ۴۰۵؛ نزهة الارواح، ۳۶)

بنابراین، به اعتبار شش رباعی و شش قطعه مشترک میان نزهة الارواح و دیوان ناصر که فقط در نسخه ملک ۲ موجود است، می شود چنین نتیجه گرفت که این اشعار را کاتب دستنویس مذکور یا نسخه مرجع او، از روی نزهة الارواح به دیوان ناصر بخارایی الحاق کرده و در اصل دیوان ناصر وجود نداشته است.

### شرف الدین شفروه و ناصر بخارایی

نه فقره از رباعیات منسوب به ناصر بخارایی، در دیوان شرف الدین شفروه اصفهانی، سخنور بزرگ قرن ششم هجری نیز دیده می شود. مأخذ انتساب این رباعیات به ناصر بخارایی، دستنویس فاتح است. این نه رباعی، در نسخه مذکور در انتهای بخش رباعیات، پشت سر هم جای گرفته اند. و نکته عجیب آنکه، کاتب نسخه فاتح ۲ نیز هفت فقره از این رباعیات را در دیوان ناصر بخارایی آورده و وی همان کسی است که در مورد الحاق رباعیات دیگران به دیوان عصمت بخارایی نیز چنین گشاده دستی روا داشته است و شرح آن را در مقاله ای دیگر داده ایم (رک. «بررسی رباعیات عصمت بخارایی»، ۲۰۲).

نکته مهمی که باید بدان توجه داشت، تفکیک بین رباعیات سرگردان و رباعیات دخیل یا الحاقی است. رباعی سرگردان، رباعی است که منابع مختلف آن را به دو یا چند شاعر نسبت داده باشند. در اینجا ما با تشخیص و استنباط مؤلفین آن منابع سر و کار داریم. رباعی الحاقی، رباعی است که کاتب یا گردآورنده کتابی، عامدانه یا از سر سهو، آن را از جایی برداشته و به جای دیگر چسبانده است. در رباعیات الحاقی، معمولاً ما با دو نفر سر و کار داریم. یعنی دایره انتساب رباعی به دو شاعر محدود است: سراینده اصل و سراینده الحاقی.

اتفاقی که در اینجا افتاده آن است که کاتب دستنویس فاتح، به منظور کامل کردن سرمایه ادبی ناصر بخارایی، نه رباعی شاعری کمتر شناخته شده را برداشته، آن ها را یک جا و پشت سر هم وارد دیوان ناصر کرده است. شرف الدین شفروه اگرچه در عصر خود سخنوری توانمند محسوب می شد، اما در سده های بعد، اشعار او از رونق افتاد و نام کم رنگی از او در تاریخ ادبیات به جای ماند. متأسفانه از دیوان شرف الدین شفروه نسخه های زیادی باقی نمانده و سرمایه رباعیات بی شمار او (حدود ۶۰۰ رباعی)، تنها در یک دستنویس محفوظ مانده است (نسخه بایگانی ملی هند). همین مهجور ماندن اشعار شفروه، احتمالاً کاتب نسخه فاتح را به این فکر انداخته که به میراث ادبی این شاعر دست درازی کند و چند رباعی او را برای پُر و پیمان کردن کارنامه شاعری ناصر بخارایی به دیوان او بیفزاید.



از آنجا که اغلب دستنویس‌های موجود دیوان شرف‌الدین شفروه در سده یازدهم کتابت شده، ممکن است گفته شود از کجا معلوم که کاتب دیوان او این الحاق را انجام نداده باشد؛ خاصه آنکه از لحاظ زمانی، کتابت دیوان ناصر بخارایی دو قرن زودتر از این نسخه‌ها صورت گرفته است. ما دو دلیل و یک قرینه در دست داریم که رباعیات شفروه به دیوان ناصر بخارایی الحاق شده است، نه بر عکس. دلیل نخست، ضعف انتساب در رباعیات دیوان ناصر بخارایی است که پنج فقره آن را پیشتر آوردیم. این نکته، ما را در مورد سایر انتساب‌ها نیز بی‌اعتماد و محتاط می‌کند. دوم آنکه، یکی از این‌ها رباعی (شماره ۱۱) در سفینه کهن رباعیات به نام شرف شفروه است. منبع مذکور در اواخر قرن هفتم هجری گردآوری شده است (سال‌ها پیش از به دنیا آمدن ناصر). این رباعی در تذکره خلاصه الاشعار تقی کاشانی نیز به اسم شرف‌الدین شفروه است. یک قرینه جانبی هم وجود دارد و آن اینکه ضبط این رباعیات در دیوان شفروه، کمتر دستخوش تغییر و تحریف است. در دیوان اشعار ناصر بخارایی، سه رباعی از این‌ها رباعی دچار عیب تکرار قافیه است و در دو مورد (شماره ۱۲ و ۱۵)، مصحح ناچار از تصحیح قیاسی شده است. با در نظر گرفتن جمیع این موارد، احتمال آنکه رباعیات شفروه به دیوان ناصر الحاق شده باشد، بیشتر است.

[۷]

قومی به فرشته می‌شمارند<sup>۹</sup> مرا      وز اهل صلاح می‌شمارند مرا  
ز آن سوی دگر گر بنگارند مرا      در هیچ کنشستی نگذارند مرا

(دیوان ناصر، ۴۰۱؛ دیوان شفروه، ۱۱۹ پ)

[۸]

اشکم چو عقیق است ز درج گهرت      پشتم چو کمان است ز تیر نظرت  
ای عهد تو همچو زلف تو جمله شکن      ای وعده تو میان تهی چون کمرت

(دیوان ناصر، ۴۰۱؛ دیوان شفروه، ۱۲۳ ر)

[۹]

گل حاجت عاشقان روا خواهد کرد      زهد همه زاهدان هبا خواهد کرد  
گل آمد و کار و بار ما برهم زد      امسال دگر بار جفا خواهد کرد  
(دیوان ناصر، ۴۰۲؛ دیوان شفروه، ۱۳۱ ر)

۹) دیوان شفروه: می‌سپارند. این ضبط، عیب تکرار قافیه را که در روایت دیوان ناصر آمده است، برطرف می‌کند.

بیت دوم در دیوان شفروه چنین است که بهتر به نظر می‌رسد:

گل آمد و کار پار ما بر هم زد      امسال دگر بار چها خواهد کرد

[۱۰]

جز من به دم سحرگهی مست که شد      بی می به سماع خرگهی مست که شد

از هُش برم چو بوی نرگس شنوم      بر بوی پیاله تھی مست که شد

(دیوان ناصر، ۴۰۲؛ دیوان شفروه، ۱۳۱-۱۳۱پ)

[۱۱]

تاحق ز جهانیان ملولم نکند      شایسته درگاه وصولم نکند

ترس تو از آن است که خاکت بخورد      بیم من از آنکه خود قبولم نکند

(دیوان ناصر، ۴۰۲؛ دیوان شفروه، ۱۳۰)

رباعی بالا، هم در سفینه کهن رباعیات (ص ۸۸) به نام شرف الدین شفروه است و هم در تذکره خلاصه الاشعار (برگ ۱۶۰).

[۱۲]

دیدم گل سرخ، سخت پیراسته بود      بلبل به دعای سحرش خواسته بود

بس تاز و دلگشا و آراسته بود      گویی که به روی صبح [برخاسته] بود

(دیوان ناصر، ۴۰۲؛ دیوان شفروه، ۱۳۰پ)

[۱۳]

جز خار نروید ز گلستان دلم      جان دست فروئسته ز درمان دلم

در کسوت یوسفم به ظاهر، لیکن      گرگ آبادی است چاه ویران دلم

(دیوان ناصر، ۴۰۳؛ دیوان شفروه، ۱۴۸)

[۱۴]

عالم چو بهشت است، ولیکن گذران  
بُستان چو عروسی و صبا جلوه‌گران  
بلبل زده صیت<sup>۱۱</sup> و نعره چون بی‌خبران  
وز وجد، گل و صبح به هم جامه‌دران  
(دیوان ناصر، ۴۰۳؛ دیوان شفروه، ۱۵۵پ)

### [۱۵]

ای شرم‌زده غنچه مستور از تو  
حیران و خجل نرگس [مخمور]<sup>۱۲</sup> از تو  
گل با تو کجا برابری یازد کرد؟  
کو رنگ ز مه دارد و مه نور از تو  
(دیوان ناصر، ۴۰۴؛ دیوان شفروه، ۱۵۸پ)

### حافظ و ناصر

آخرین رباعی مورد بررسی (شماره ۱۵)، به حافظ شیرازی نیز منسوب است (تصحیح خانلری، ۱۱۱۱).<sup>۱۳</sup> غیر از این رباعی، دیوان حافظ‌سه رباعی مشترک دیگر با دیوان اشعار ناصر بخارایی دارد. رباعیات منسوب به حافظ، همانند ناصر بخارایی، پیچیدگی بسیار دارد. کسانی که دیوان حافظ را بعد از مرگ او گرد آورده‌اند، با همان نگرشی که گردآورندگان دیوان ناصر بخارایی داشته‌اند، برای تکمیل قوالب شعری دیوان، رباعیاتی از کمال اسماعیل، ظهیر فاریابی و دیگران را به دیوان حافظ برده‌اند. متأسفانه این رباعیات، به نسخه‌های کهن دیوان حافظ و ناصر نیز راه یافته است، اما قدمت نسخه، امتیازی برای حافظ در انتساب این رباعیات محسوب نمی‌شود، به این دلیل که برخی از این رباعیات، در مجموعه نزهة المجالس جمال خلیل شروانی که در اواسط قرن هفتم گردآوری و در ۷۳۱ ق کتابت شده موجود است و این تاریخ، حدوداً هفتاد سال قبل از تولد حافظ است. شادروان دکتر محمد امین ریاحی در مقاله «این رباعی‌ها از حافظ نیست» (حافظ‌شناسی، جلد هشتم) به برخی از این موارد اشاره کرده است.

پیچیدگی رابطه رباعیات حافظ و ناصر بدانجا بر می‌گردد که دیوان هر دو شاعر، در معرض رباعیاتی قرار گرفته که اغلب شان سروده دیگران است و دست بر قضا، چهار رباعی مشترک هم دارند. تکلیف یکی از این رباعیات معلوم است (شماره ۱۴): نه از حافظ است و نه از ناصر. بلکه سروده شرف‌الدین شفروه است. در مورد سه رباعی دیگر، قضاوت قدری دشوار است:

۱۱) دیوان شفروه: بانگ. «صیت» اینجا هیچ تناسبی ندارد.  
۱۲) در اصل دستنویس، «مستور» بوده، و «مخمور» تصحیح قیاسی مصحح است. در دیوان شفروه نیز «مخمور» ضبط شده است.  
۱۳) خانلری این رباعی را به نقل از نسخه ل آورده که همان نسخه معروف خلخالی است که در سال ۸۲۷ ق کتابت شده است.

[۱۶]

ایام شباب است، شراب اولی تر      هر غم زده ای مست و خراب اولی تر  
عالم همه سربه سر خراب است و بیاب      در جای خراب هم خراب اولی تر  
(دیوان ناصر، ۴۰۲؛ دیوان حافظ، خانلری، ۱۱۰۰)

این رباعی در دو نسخه فاتح و ملک آمده و جزو شش رباعی مشترک این دو نسخه است. ایراد ضبط دیوان ناصر، تکرار کلمه «خراب» در مصراع دوم و چهارم است. شگفت آنکه رباعی در دیوان حافظ (تصحیح خانلری) نیز به همین شکل و با همین ایراد نقل شده است. در نسخه خلخالی که اساس طبع مرحوم قزوینی بوده، رباعی بدین ضبط است (دیوان خواجه حافظ شیرازی، خلخالی، ۴۵۴؛ دیوان حافظ، قزوینی، ۳۷۹-۳۸۰):

ایام شباب است، شراب اولی تر      با سبزخطان، باده ناب اولی تر  
عالم همه سربه سر رباطی است خراب      در جای خراب هم خراب اولی تر  
یاراحمد رشیدی تبریزی رباعی را به خیتام منسوب داشته است (طربخانه، ۱۱۰). مجموعه او به سال ۸۶۷ ق فراهم آمده و مصراع نخست در آنجا چنین است: «از هرچه خورد مرد، شراب اولی تر». مابقی مصراع‌ها، مطابق ضبط خلخالی است. رباعی، در بعضی منابع به حکیم نظامی گنجوی منسوب است (رک. دیوان نظامی، ۳۵۴؛ هفت اقلیم، ۲: ۱۰۷۵؛ خلاصه الأشعار، ۱۵۱). در سفینه کهن رباعیات، یک رباعی با همین طرح ردیف و قافیه و موضوع و مضمون وجود دارد و گوینده آن، شهاب گنجه‌ای است (ص ۱۲۷):

مخمور غمت شدم، شراب اولی تر      با درد غمت، دل کباب اولی تر  
معلوم چو می‌نگردد احوال جهان      در کنج خرابه‌ای، خراب اولی تر  
خواجوی کرمانی نیز رباعی با این حال و هوا دارد (دیوان اشعار خواجه، ۷۸۷):

در ساغر جان ما شراب اولی تر      وز آتش می جگر کباب اولی تر  
در ده قدحی که در خرابات فنا      بنیاد وجود ما، خراب اولی تر

[۱۷]

با سنبلس آویختم از روی نیاز      گفتم: من سودازده را چاره بساز

گفتا که لبم بگیر و زلفم بگذار در عیش خوش آویز نه در عمر دراز!

(دیوان ناصر، ۴۰۳؛ دیوان حافظ، ۱۱۰۱)

مصراع چهارم این رباعی، در تاریخ و صاف به عنوان شاهد سخن نقل شده است (تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار، چاپ عکسی، ۳۹۸). مجلّدی که این مصراع در آن است، به خط خود مؤلف است و در ۷۱۱ ق کتابت شده است. به اعتبار این نقل، رباعی مذکور نمی‌تواند از هیچ کدام از این دو شاعر باشد، نه حافظ و نه ناصر. مگر آنکه تصوّر کنیم گوینده رباعی، مصراع چهارم را به طریق تضمین به کار برده باشد که ناممکن نیست، اما قدری دور از ذهن است.

### [۱۸]

گر همچو من افتاده این دام شوی      ای بس که خراب باده و جام شوی  
ما عاشق و رند و مست و عالم سوزیم      با ما منشین، وگرنه بدنام شوی

(دیوان ناصر، ۴۰۴؛ دیوان حافظ، ۱۱۰۱)

این رباعی در برخی از قدیمی‌ترین نسخ دیوان حافظ موجود است؛ از جمله نسخه مؤرخ ۸۰۱ ق نورعثمانیه (دیوان حافظ، چاپ عکسی، ۸۱)؛ نسخه مؤرخ ۸۱۳ ق ایاصوفیا (بیست دیوان، ۴۲۸ پ)؛ نسخه مؤرخ ۸۲۴ ق کتابخانه سبزیوش هند (دیوان خواجه شمس‌الدین حافظ، ۷۴۱)، نسخه مؤرخ ۸۲۵ ق نورعثمانیه (مجموعه دواوین، ۱۰۱ ر) و نسخه مؤرخ ۸۲۷ ق خلخالی (دیوان خواجه حافظ، خلخالی، ۴۵۰). یکی از این نسخه‌ها، دیوان ناصر بخارایی را نیز در بردارد (بیست دیوان) و رباعی مذکور (و هیچ رباعی دیگری) آنجا نیست. رباعی در دیوان اشعار ناصر بخارایی به اعتبار دو نسخه فاتح و ملک آمده است و نسخه مجلس (برگ ۷۸ ر) نیز آن را دارد. این سه دستنویس در اواسط قرن نهم کتابت شده‌اند. با اینکه رباعیات حافظ در صحّت اصالت و انتساب، دست کمی از رباعیات ناصر ندارد، به نظر می‌رسد این یکی جزو معدود رباعیات اصیل خواجه حافظ باشد. تعبیر «رند عالم سوز» در این رباعی، با منظومه فکری حافظ هم خوانی دارد؛ چرا که رندی، یکی از مفاهیم کلیدی بوطیقای حافظ است: «رند عالم سوز را با مصلحت بینی چه کار؟» (دیوان حافظ، خانلری، ۵۵۸).

### سایر رباعیات

در دستنویس سنا که به سال ۸۲۱ ق کتابت شده و جزو قدیم‌ترین نسخ موجود دیوان ناصر بخارایی است، دو رباعی و یک تک بیت به اسم ناصر بخارایی آمده است که در هیچ کدام از نسخه‌های دیگر دیده نمی‌شود و با شواهدی که ذکر خواهیم کرد، هیچ یک از آن‌ها، از ناصر بخارایی نتواند بود.

[۱۹]

هر چند به جالاکای آن دلبر نیست  
ما را طمع وصال او در خور نیست  
زور و زر و زاری است سرمایه عشق  
زاری نخرد، زور ندارم، زر نیست!

(دیوان ناصر، ۴۰۱)

این رباعی را ابوالمجد محمد تبریزی در خلاصه الأشعار فی الرباعیات، به اسم «پهلوان احمد گوهران» ثبت کرده و مصراع اول در آنجا چنین است: «در عالم اگر چه مثل آن دلبر نیست» (سفینه تبریز، ۶۰۲). رباعی نامه مذکور در سلخ جمادی الاولی سال ۷۲۱ ق گردآوری و کتابت شده و به همین دلیل، انتساب رباعی یاد شده به ناصر بخارایی قطعاً منتفی است.

[۲۰]

ای روی تو از لطافت آینه روح  
خواهم که قدم های خیالت به صبح  
در دیده کشم، ولی ز خار مژه ام  
ترسم که شود پای خیالت مجروح

(دیوان ناصر، ۴۰۲)

جمال خلیل شروانی رباعی را به اسم شرف بیلقانی آورده (نزهة المجالس، ۳۲۸) و ابوالمجد تبریزی به نام سیف الدین باخرزی (سفینه تبریز، ۶۰۲). به ظهیر فاریابی و مولانا هم منسوب است (دیوان ظهیرالدین فاریابی، ۲۷۴؛ کلیات شمس، ۷۳:۸). به اعتبار نسخه های خطی نزهة المجالس (۷۳۱ ق)، سفینه تبریز (۷۲۱ ق) و کلیات شمس (۷۲۳ ق)، امکان اینکه این رباعی سروده ناصر بخارایی باشد، از بین می رود.

[۲۱]

بر بیّهده نیستم چنین گشته تو  
چیزی ز تو دیده ام که آنم گشته ست

(دیوان ناصر، ۴۰۵)

این بیت مفرد، بخشی از یک رباعی است که شروانی آن را به صورت کامل به اسم «اثیرالدین» نقل کرده است (نزهة المجالس، ۴۵۶):

عشق تو به پیدا و نهانم گشته ست  
سودای تو بی نام و نشانم گشته ست  
بر بیّهده نیستم چنین گشته تو  
چیزی ز تو دیده ام که آنم گشته ست

رباعی، در مجموعه رباعیات اوحد کرمانی هم دیده می شود (سفینه تبریز، ۵۸۸؛ دیوان رباعیات، ۲۲۳). سه منبع مذکور در اوایل قرن هشتم کتابت شده و مانع پذیرش انتساب بیت فوق به ناصر بخارایی است.

رباعی زیر که در دو نسخه فاتح و ملک به ناصر بخارایی نسبت یافته، در نزهة المجالس از شاعر گمنامی به اسم «جمال سقا» دانسته شده است (نزهة المجالس، ۳۷۷). این رباعی نیز از درویش ناصر نتواند بود:

[۲۲]

می آمد و هر سو نظری می افگند      بر هر طرف از لب شکری می افگند  
گه گه به کرشمه سوی ما می نگرست      وز ناز نظر بر دگری می افگند

(دیوان ناصر، ۴۰۲)

#### رباعیات باقی مانده

آنچه باقی می ماند، چهار رباعی است که بنده در بررسی های خود اثری از آن ها در متون پیش از حیات ناصر بخارایی نیافتم و ممکن است سروده ناصر بخارایی باشد. اگرچه، در انتساب این چهار رباعی هم باید دست به عصا بود. زیرا بخش رباعیات دیوان اشعار ناصر بخارایی، همان گونه که دیدیم، بسیار نابسامان و غیر قابل اعتماد است.

[۲۳]

آن شاه که قبله نماز همه اوست      مقصود ز قصه دراز همه اوست  
سد ساله نماز و روزه مردم را      قدری نبود که بی نیاز همه اوست

(دیوان ناصر، ۴۰۱)

[۲۴]

تا در سر من هوای مه روی من است      بر خاک نهاده ساله و مه روی من است  
دزدیده به سوی مه نگه می کردم      گفتا چه نگه کنی که مه روی من است

(دیوان ناصر، ۴۰۱)

[۲۵]

تا جلد جریده در جهان خواهد بود پیوسته به دست دگران خواهد بود  
می نوش و ازین جریده برخوان غزلی کین عالم فانی گذران خواهد بود

(دیوان ناصر، ۴۰۲)

[۲۶]

دی غرق غرق در آفتابش دیدم همچون گل تازه بی حجابش دیدم  
دیدم به جمال او جهان را، زآن روی چون مردمک دیده در آبش دیدم

(دیوان ناصر، ۴۰۳)

### سخن پایانی

با بررسی دیوان دو شاعر همشهری و قریب العهد، ناصر بخارایی و عصمت بخارایی، متوجه شدیم که برخی از دوستداران این دو شاعر، برای آنکه آن‌ها را شاعری کامل و مسلط در همه قالب‌های شعری نشان دهند، شماری از رباعیات دیگران را به دیوان آن‌ها الحاق کرده‌اند. بررسی ما نشان داد که از ۲۵ رباعی موجود در دیوان اشعار ناصر بخارایی، ۲۱ فقره آن در منابع پیشین وجود دارد و ممکن است چهار رباعی دیگر هم سروده او نباشد. به عبارت دیگر، ناصر بخارایی گرایشی به قالب رباعی نداشته و اغلب اشعار او در دو قالب غزل و قصیده بوده است. در مقاله «بررسی رباعیات عصمت بخارایی» که پیشتر در همین نشریه به چاپ رسیده (رک. فهرست منابع)، نشان دادیم که چگونه ۱۸ رباعی دیگران، به دیوان عصمت بخارایی الحاق شده است. طرفه آن است که یکی از نسخه‌هایی که در بردارنده رباعیات الحاقی است (فاتح ۲)، دستنویسی است مشتمل بر دیوان هر دو شاعر همشهری که به دست کاتبی واحد به فاصله دو سال (۸۷۰-۸۷۲ ق) کتابت شده است.

به نظر بنده، رباعیات الحاقی را باید از دایره احکام مربوط به رباعیات سرگردان خارج کرد و برخورد متفاوتی با آن‌ها داشت. وظیفه مصحح متونی که رباعی یا هر شعر الحاقی دارد، آن است که این قبیل اشعار را در متن اصلی راه ندهد؛ ولو آنکه در بعضی نسخه‌ها وجود داشته باشد. به این رباعیات، یا باید در مقدمه کتاب اشاره کرد، یا آن‌ها را در انتهای کتاب، در بخشی جداگانه آورد، به همراه توضیحاتی که خواننده را متوجه الحاقی بودن آن شعرها کند. اغلب مخاطبان، حتی اهل فن، معمولاً به ارزیابی دقیق نسخه‌ها نمی‌پردازند و متن چاپ شده را قابل اتکا و استناد می‌دانند. نقل یک شعر الحاقی در چند منبع، ما را در چرخه اشتباهات پیشینیان گرفتار می‌کند و حلقه‌ای بر زنجیره استنادهای نادرست می‌افزاید.



## منابع

- بیست دیوان، دستنویس شماره ۳۹۴۵ ایاصوفیا، کتابت ۸۱۳ ق، ۶۴۸ برگ
- تجزیه الامصار و تزجیه الاعصار (تاریخ و صَاف)، شرف الدین عبدالله شیرازی، نسخه برگردان جلد چهارم کتاب از روی نسخه خط مؤلف، به کوشش ایرج افشار، محمود امیدسالار، نادر مطلبی کاشانی، تهران، انتشارات طلابه، ۱۳۸۸
- تذکره الشعراء، امیر دولتشاه سمرقندی، به اهتمام ادوارد برون، لیدن، مطبوعه بریل، ۱۹۰۰م
- خلاصه الاشعار و زبدة الافکار، تقی الدین محمد کاشانی، دستنویس شماره ۷۷۹۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نستعلیق سده ۱۱ ق، ۴۶۳ برگ
- دیوان اشعار خواجه کرمانی، به اهتمام و تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، انتشارات پازنگ، ۱۳۶۹
- دیوان اشعار ناصر بخارایی، به کوشش مهدی درخشان، تهران، بنیاد نیکوکاری نوریانی، ۱۳۵۳
- دستنویس شماره Ms. or. oct. ۲۹۳۶ کتابخانه برلین، بدون رقم، اوایل سده نهم ق، ۸۶ برگ
- دستنویس شماره ۳۳۹ کتابخانه مجلس سنا، کتابت حسین بن علی تونی، جمادی الاولی، ۸۲۱ ق، ص ۲۷۹-۴۲۹
- دستنویس شماره ۹۰۸۴ کتابخانه مجلس، بدون رقم، سده نهم ق، برگ ۴۶-۷۸ ر
- دستنویس شماره ۵۳۸۳ کتابخانه ملک، ۸۵۹ ق، ۲۶۹ برگ
- دستنویس شماره ۳۸۷۹ کتابخانه فاتح استانبول، ۸۶۴ ق، ۲۲۴ برگ
- دستنویس شماره ۳۸۴۸ کتابخانه فاتح استانبول، کتابت شرف الدین حسین المشهدی، ۸۷۰ ق، برگ ۱۶۳-۳۵۳ ر
- دستنویس شماره ۶۳۸ کتابخانه حکیم اوغلو، بدون رقم، کتابت در نیمه دوم قرن نهم ق، ۱۵۱ برگ
- دستنویس شماره ۳۹۴۵ کتابخانه ایاصوفیا، ۸۱۳ ق (رک. بیست دیوان)، برگ ۵۷۲ پ - ۶۰۵ پ
- دیوان حافظ، به تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم: ۱۳۷۵
- دیوان حافظ شیرازی، نسخه برگردان دستنویس مورخ ۸۰۱ ق، به کوشش بهروز ایمانی، تهران، انتشارات میراث مکتوب، ۱۳۹۴
- دیوان حافظ شیرازی، به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران، انتشارات زوار، چاپ پنجم: ۱۳۷۶
- دیوان خواجه حافظ شیرازی، عکس نسخه خلخالی مورخ ۸۲۷ ق، به اهتمام شمس الدین خلخالی، ۱۳۶۹
- دیوان خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی، به اهتمام سید محمد رضا جلالی و نذیر احمد، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ نهم: ۱۳۸۱
- دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی، به کوشش احمد ابومحبوب، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۶
- دیوان شرف الدین شفروه، دستنویس شماره ۳۲۰۴ کتابخانه بایگانی ملی هند، ۱۰۲۷ ق، ۲۱۵ برگ، فیلم شماره ۱۴۱۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
- دیوان ظهیرالدین فاریابی، تصحیح امیرحسن یزدگردی، به اهتمام اصغر دادبه، تهران، نشر قطره، ۱۳۸۱
- دیوان نظامی گنجوی، به کوشش سعید نفیسی، تهران، کتابفروشی فروغی، بی تا
- رباعیات خیام و خیامانه های پارسی، سید علی میرافضلی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۹۹
- سفینه تبریز (چاپ عکسی)، ابوالمجد محمد تبریزی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱
- سفینه کهن رباعیات، تصحیح و تحقیق ارحام مرادی و محمد افشین وفاپی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۹۵
- سی دیوان، دستنویس شماره ۵۳۰۷ کتابخانه ملک، سده یازدهم ق، ۳۸۷ برگ
- طربخانه: رباعیات خیام، یار احمد رشیدی تبریزی، تصحیح جلال الدین همایی، تهران نشر هما، چاپ دوم: ۱۳۶۷

عرفات العاشقین و عرصات العارفین، تقی‌الدین اوحدی بلیانی، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۸، ۷ ج

کلیات شمس یا دیوان کبیر، با تصحیحات بدیع الزمان فروزانفر، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم: ۱۳۵۵، جزو هشتم مجموعه دواوین، دستنویس شماره ۳۸۲۲ کتابخانه نورعثمانیه، کتابت ابراهیم بن عبدالله ابرقویی، ۸۲۵ ق، ۲۴۹ برگ

زهت الازواج، امیر حسینی هروی، تصحیح پریا زواره‌ئیان، تهران، انتشارات زوار، ۱۴۰۰

زهة المجالس، جمال خلیل شروانی، به تصحیح محمد امین ریاحی، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۶

هفت اقلیم، امین احمد رازی، تصحیح سید محمد رضا طاهری، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۸، ۳ ج

«این رباعی‌ها از حافظ نیست»، محمد امین ریاحی، حافظ‌شناسی، به کوشش سعید نیاز کرمانی، جلد هشتم، ۱۳۶۷، ۲۴-۱۳

«بررسی رباعیات عصمت بخارایی»، سید علی میرافضلی، آینه پژوهش، سال ۳۳، شماره دوم (پیاپی ۱۹۴)، خرداد و تیر ۱۴۰۱، ۱۹۹-۲۱۴



کلن با تو کجیب برابر می یار د کرد	کوزنگ زده دارد و به نور از تو
کل حاجت عاشقان را خواهد کرد	زید همه عابدان با خواها کرد
کل آمد و کار و بار ما برسم زد	ایسبال دگر با در خواها کرد
تا حق رنجش اینان معلوم کنم	شاید پسته درگاه و صوم کنم
رتش تو را پست که خاک بخورد	پشم من از آن که خود بخونم کند
با سبب است او تخم از روی نیاز	کفتم من بود از ده را چاه نیاز
کجا که بکم زور لغم بگذارد	در عیش و بزم در هر دراز
قومی بفرشته می نمازند مرا	وز اهل صلاح می نمازند مرا
زبان بوی دگر که بجا زند مرا	در هیچ کجاستی نکند ازند مرا
کرگرم صیت گرم نامد بگوش	یا کرگم خود نیت یا بخرم کرم
م	
<p>قد اتفق انما هم هذا الكتاب على يد العبد الضعيف الراتب          الى رحمة الملك الوهاب شرف الدين الحسين الشهدى          اليزيدى عن فراتيه له ولين نظرية حجة النبي وآله          واصحاب الطهرين الطاهرين          من سنة سبعين وثمانمائة</p>	